

دکتر آيو آدوويا ، دوم قرنٲيان، جلسه ۱۰ دوم قرنٲيان ۹، اطلاعات بيشتر در مورد بخشش

آيو آدوويا و تد هيلدبرانت ۲۰۲۴ ©

اين دکتر آيو آدوويا در تدريس خود در مورد دوم قرنٲيان است. اين جلسه 10، دوم قرنٲيان 9، اطلاعات بيشتر در مورد بخشش است.

همانطور که در گفتگو و بحث‌هايمان در مورد دوم قرنٲيان فصل 8 ديديم، نياز کليسا به مديريت پول امروزه به همان اندازه زماني که پولس به قرنٲيان نوشت، حساس است.

به عبارت ديگر، شايسته است که با نهايت حساسيت، لطف و کرامت به آن پرداخته شود. مسؤليت مالي، و چگونگي ايجاد انگيزه در مردم براي کمک مالي، حتي زماني که شرايط مناسب و بي‌نقص به نظر مي‌رسد وظيفه‌اي دشوار است. بحث طولاني پولس در فصل‌هاي ۸ و ۹ از دوم قرنٲيان نشان مي‌دهد که برنامه‌ريزي و مديريت چقدر براي موفقيت هر خدمتي، به ويژه در شرايط خاص، مهم است.

سختي چيزي نيست که در ذات انسان‌ها باشد، و بنا بر اين بايد به مردم آموزش داده شود که چگونه ببخشند و چگونه دريافت کنند. مي‌بينيد، هميشه در مورد زندگي و خدمت مسيحي فورييت وجود دارد و اين فورييت از ماهيت زندگي و خدمت و نياز شديدی که به آنها وجود دارد، ناشی می‌شود. ما بايد بفهميم که در دوم قرنٲيان، فصل ۹ چه می‌گذرد. اين يک واقعيت است که در زندگي، شور و شوق به دلايل مختلف هميشه براي مدت طولاني دشوار است و ما اين را در مورد قرنٲيان و بخشش ديديم.

فصل ۹ قرنٲيان گفتگو را ادامه مي‌دهد. حال، بايد بگويم، حداقل براي اينکه ما آگاه باشيم که برخي از محققان فصل ۹ را کاملاً جدا از فصل ۸ ديده‌اند، و استدلال کرده‌اند که نه، فصل ۹ بايد خيلي خيلي جدا باشد. در اينجا پولس شروع مي‌کند، زيرا نوشتن در مورد اين خدمت به مقدسين براي من زائد است.

آن را مي‌خوانند، حالا لازم نيست که من در مورد خدمت به مقدسين براي شما بنويسم NRSV حالا در اگرچه تعدادی از محققان فصل ۹ را در اصل يک نامه مستقل مي‌دانند، اما استدلال‌هاي وجود دارد که نشان مي‌دهد اينطور نيست، اينطور نيست. به عبارت ديگر، استدلال‌هاي وجود دارد که نشان مي‌دهد فصل از طريق پيوندهاي مختلف متني و دستوري به فصل ۸ نزديک است ۹.

موري هريس، در کتاب عالي خود با عنوان «تفسير انتقادي بين‌المللي جديد از عهد جديد» در باب دوم قرنٲيان، کار فوق‌العاده‌اي انجام داده است و استدلال مي‌کند که مثلاً عبارت «اکنون در مورد» که در يوناني است، معمولاً موضوع جديدي را مطرح مي‌کند، اما در اينجا در باب ۹ هيچ مدرکي مبني بر اين «per-de» وجود ندارد. هيچ مدرکي در ادبيات يوناني موجود وجود ندارد که نشان دهد اين عبارت در اينجا به اين شکل، عمل مي‌کند، اما برعکس، هميشه رابطه نزديکي با آنچه پيش از آن آمده است، بيان مي‌کند. به عبارت ديگر در آيات ۹ تا ۱، و قتي پولس از کلمه «مردان، روز» استفاده مي‌کند، به آيه ۳ نگاه مي‌کند، اما سپس ۴ که اکنون در مورد «دختر» آمده است، به آيات ۸ تا ۲۴ نگاه مي‌کند.

و البته، چندين دليل قانع‌کننده ديگر ارائه مي‌دهد که نشان مي‌دهد آنها فصل‌هاي جداگانه‌اي نيستند، بلکه يکي از ديگري سرچشمه مي‌گيرد و اين موضعي است که ما اتخاذ مي‌کنيم. به عبارت ديگر، تماميت ادبي اين آيات در متن حاضر نبايد ما را آزار دهد. ما فقط بايد آنها را به همان شکلي که در کتاب مقدس داريم بخوانيم، زيرا هر دو از نظر دستوري ارتباط نزديکي با هم دارند.

نه تنها از نظر دستوری، بلکه از نظر فکری نیز به هم مرتبط هستند. آنها از نظر فکری نیز به هم مرتبط هستند. پولس دوباره اعتماد خود را به قرنطیان ابراز می‌کند، اما با نگرانی توضیح می‌دهد که چرا این هیئت فرستاده می‌شود و چرا می‌خواهد آنها بروند.

بنابراین، او از کلیسا می‌خواهد که با آماده کردن جمع‌آوری کمک‌ها در سفر بعدی خود به قرنطس، به هیئت اعزامی پاسخ مثبت دهند. پولس می‌خواهد از بی‌آبرویی خود جلوگیری کند، بنابراین در آیه ۱، بیایید به آن نگاه کنیم. او می‌گوید نیازی به این کار نیست.

می‌گوید، این کار زائد است، یا NASB او اعتراف می‌کند که دیگر نیازی به نوشتن ندارد، یا همانطور که می‌گوید، لازم نیست. به عبارت دیگر، من آنچه را که باید برای شما می‌نوشتم NRSV همانطور که نوشته‌ام. دلیل زیادی برای من وجود ندارد، اما نکته اینجاست.

او گفت نیازی به انجام این کار نیست، و با این حال او به انجام آن اقدام کرد. من در مورد خدمت به شما گفتم، و سپس ادامه می‌دهد. همانطور که مدتی پیش گفتیم، او اکنون آنها را می‌نویسد.

می‌دانید، مطمئنم که اساتید یا معلمانان در حوزه علمیه به شما گفته‌اند که خب، لازم نیست به شما یادآوری کنم که امتحان میان‌ترم یا پایان‌ترم شما جامع خواهد بود، اما این کاری است که او همین الان انجام داد. منظورم این است که لازم نیست به شما یادآوری کنم که قبل از بیرون رفتن از خانه باید در را ببندید اما این کاری است که شما همین الان انجام دادید. شما همین الان به من یادآوری کردید که وقتی از خانه بیرون می‌روم باید در را ببندم و قفل کنم.

پس چرا باید تعجب‌آور باشد که وقتی پولس می‌گوید، دیگر لازم نیست در مورد خدمت به مقدسین برای شما بنویسم، چرا باید این را بگوییم؟ خب، به همین دلیل، این موضوع به فصل ۸ ربطی ندارد. این کاری است که او همین الان انجام داد. او فقط دوباره آنها را یادآوری می‌کند. می‌بینید، این یک ابزار بلاغی است که پولس از آن استفاده می‌کند.

این یک ابزار بلاغی است که وقتی از چیزی عبور می‌کنید، آن را فلج می‌نامیم. نویسندگان و گویندگان همیشه وقتی از موضوعی عبور می‌کنند، همین کار را انجام می‌دهند و در آینده دوباره به آن اشاره می‌کنند. شاید پولس فکر می‌کند که خوانندگان در حال خسته شدن یا بی‌علاقه شدن به موضوع هستند یا اینکه دوباره به آن اشاره می‌کند؛ این نشان می‌دهد که به سخاوت آنها اعتماد ندارد، اما تکرار او در اینجا به قرنطیان یادآوری می‌کند که باید کاری انجام دهند.

انگار پولس به قرنطیان می‌گوید، این پروژه را ادامه دهید. شما باید این کار را انجام دهید. اگرچه او مراقب است که فشار غیرضروری به آنها وارد نکند، اما آیا این یادآوری به خودی خود فشاری بر آنها وارد نمی‌کند؟ آیا این یک فشار نامحسوس نیست؟ او نمی‌خواهد آنها را تحت فشار قرار دهد، و با این حال دوباره به آنها می‌گوید.

یادم می‌آید چند سال پیش، وقتی جوان تازه مسلمان شده‌ای بودم، پیش کشیش می‌رفتم و می‌گفتم، بخشید کشیش، می‌توانم این کار را انجام دهم؟ چه چیزی می‌توانید به من بفروشید؟ و کشیش می‌گفت، خب، اگر من جای شما بودم، این کاری است که انجام می‌دادم. حالا، متوجه شده‌ام که منظور این است که این کاری است که باید انجام دهم، اما کشیش صریحاً به من نمی‌گوید که بروم و این کار را انجام دهم. او فقط می‌گوید: اگر جای شما بودم، این کاری است که انجام می‌دادم.

اگر من جای تو بودم، این را می‌گفتم. این یک روش غیرمستقیم برای گفتن این است که این کار را انجام دهم، بدون اینکه او هیچ مسئولیتی در قبال گفتن آن داشته باشد. این باعث می‌شود خودم تصمیم بگیرم، و با این حال، به عنوان یک پیرو، می‌دانم که حرف‌های او برای من مهم است.

دقیقاً همین کاری است که پولس اینجا انجام می‌دهد. پولس می‌گوید، خب، فکر نمی‌کنم دیگر لازم باشد در این مورد برای شما بنویسم چون چیزهای زیادی در موردش به شما گفته‌ام، اما بعد در آیه دوم می‌گوید چون اشتیاق شما را می‌دانم. من اشتیاق شما را می‌دانم، که موضوع فخر من به شما نزد مردم مقدونیه است، اینکه از سال گذشته مراقبت و توجه شما آماده بوده است، و غیرت شما بیشتر آنها را برانگیخته است.

و سپس ادامه می‌دهد، به آیه سوم نگاه کنید، اما من برادران را فرستاده‌ام تا فخر ما به شما در این مورد بی‌اساس نباشد، تا همانطور که گفتم، آماده باشید. در غیر این صورت، اگر کسی از مقدونیه با من بیاید و شما را آماده نبیند، ما، چه رسد به شما، از این اعتماد شرمند خواهیم شد. این فشار است، هر چه می‌خواهید بنامیدش.

او گفت، خب، نمی‌خواهم برایت نامه بنویسم، اما اشتیاق را می‌دانم، و می‌خواهم این کار را بکنی چون می‌دانی اگر این کار را نکنی، و ما مقدونی‌ها بیاییم، حتی در مورد خودت، در مورد خودمان، ما شرمند خواهیم شد، اما نمی‌خواهیم تو شرمند شوی. وای، وای، پولس واقعاً کشیش بزرگی است. او می‌داند چگونه مسائل را مدیریت کند.

و پولس فوریت را اضافه می‌کند. او قبلاً از شور و شوق قرنطیان تمجید کرده بود، و در واقع، از آن برای ایجاد انگیزه، برای ایجاد انگیزه در مقدونیان استفاده کرده بود. و مقدونیان واکنش مثبتی نشان داده‌اند، اما قرنطیان جمع‌آوری کمک‌ها را ادامه نداده‌اند.

خب، پولس اینجا از روش معکوس استفاده می‌کند، چیزی که ما آن را روانشناسی معکوس می‌نامیم. پولس می‌گوید، گوش کنید قرنطیان، می‌بینید، من به مقدونی‌ها در مورد شما گفتم، و وقتی مقدونی‌ها در مورد شما شنیدند، هیجان‌زده شدند. آنها شروع به کمک کردند، و به این پروژه کمک کردند.

حالا، ما با مقدونی‌ها داشتیم به سمت شما می‌آمدیم. شما نمی‌خواهید مقدونی‌هایی که ما به آنها افتخار می‌کردیم، و بعد از آنها هم به شما افتخار کردیم. شما نمی‌خواهید که آنها بدون آمادگی با شما روبرو شوند. این برای شما خوب به نظر نمی‌رسد.

به این ترتیب، اگرچه پولس همچنان شور و شوق قرنطیان را تأیید می‌کند، اما نمی‌خواهد که آنها به دلیل ناقص بودن کارشان شرمند شوند. آبروی پولس و قرنطیان هر دو در خطر بود. می‌بینید، این نوعی آبرو و شرمساری است.

پولس می‌گوید، خب اگر این کار را بکنی، مایه افتخارت خواهد بود. اگر این کار را نکنی، مایه شرمساری تو خواهد بود. پس، واقعاً دوست داری این کار را بکنی.

بنابراین، او در آیه ۲ دلیل عدم نیاز به نوشتن برای آنها را ارائه می‌دهد. او از اشتیاق و تمایل آنها برای مشارکت آگاه است؛ او به آنها افتخار کرده است و می‌گوید که شما باید شروع به آماده شدن کنید. سپس در آیه ۳ می‌بینید که بسیار مهم است، پولس از آنچه بندهای هدف نامیده می‌شوند استفاده می‌کند. چهار مورد از آنها وجود دارد.

در یک جمله، او یک جمله منفی، یک جمله مثبت، یک جمله منفی دیگر و سپس یک جمله مثبت می‌دهد. این کاری است که او انجام می‌دهد و آن آیه را به آیات ۱ و ۲ می‌پیوندد. به آیه ۳ نگاه کنید. آیه ۳: به کاری که او انجام می‌دهد نگاه کنید، اما من این برادران را فرستاده‌ام تا فخر ما به شما بی‌اساس نباشد، تا همانطور که گفتم، شما برای شرایط دیگر آماده باشید. بنابراین، می‌بینید، او شروع به توضیح دلیل لزوم انجام این کار به آنها کرد.

بنابراین، او جواب منفی داد. نمی‌خواهم شرمنده شوید. برای اینکه فخرفروشی‌های خودش در مورد قرن‌تیان، بی‌نتیجه بماند

او نمی‌خواهد لاف‌زنی‌های آنها پوچ و توخالی از آب درآید. او نمی‌خواهد استفاده‌اش از مثال اشتیاق قرن‌تیان برای تحریک مقدونیان، پوچ و توخالی به نظر برسد. می‌دانید، اگر آنها این کار را نکرده باشند، و مقدونیان بیایند و بفهمند که قرن‌تیان این کار را نکرده‌اند، به راحتی می‌توانند نتیجه بگیرند که پولس آنها را فریب داده است، زیرا او نزد مقدونیان رفته و به آنها گفته است که قرن‌تیان این کار را کرده‌اند.

و اگر قرن‌تیان بیایند، اگر مقدونیان بیایند و بفهمند که این درست نیست، آنوقت می‌گویند، خب، شما ما را فریب دادید. بنابراین، لاف‌زدن‌های پولس پوچ خواهد شد، و با توجه به کینه‌ای که قبلاً با آنها وجود داشت، که به تازگی برطرف شده است، دوباره همه چیز از سر گرفته خواهد شد. و این مهم است.

در آیه ۴، مهم‌ترین دلیل آن را می‌یابید. تا مبدا به نحوی تحقیر شود، مبدا به خاطر تقصیر یا عدم موفقیت آنها در انجام وظیفه، تحقیر شود. به آیه ۴ نگاه کنید. در غیر این صورت، اگر کسی از مقدونیه با من بیاید و شما را آماده نبیند، ما، چه رسد به شما، از این اعتماد شرمنده خواهیم شد.

همانطور که در آیه ۱ آمده است، پولس دوباره به فلج متوسل می‌شود. او از آن عبور می‌کند. او به قرن‌تیان یادآوری می‌کند که عدم انجام وعده‌شان نه تنها او، بلکه آنها را نیز تحقیر خواهد کرد.

در حالی که ادعا می‌کند چیزی در مورد شرم قرن‌تیان نمی‌گوید، با این وجود به آن اشاره می‌کند. می‌بینید، در انجمن شرمساریِ مدیترانه باستان، مدیترانه باستان، عدم پایبندی به قول به معنای شرمساری بود. نه تنها این، بلکه باعث از دست رفتن جدی اعتبار در نظر دیگران نیز می‌شود.

کلام شما قرار بود حرف دلتان، (Honored Shame) «ببینید، در جامعه باستانی مدیترانه‌ای» شرم و ننگ باشد. شما آنچه را که منظورتان است می‌گویید و آنچه را که می‌گویید، منظورتان است. متأسفانه، برخلاف مردم دنیای مدرن غرب، به اصطلاح، تجربه شرم، تحقیر، بی‌احترامی، بی‌آبرویی یا تحقیر عمومی، سرنوشتی بدتر از مرگ بود.

در غرب مدرن، ما آن را زیاد مهم نمی‌دانیم. اما در آن جامعه، در آن جامعه‌ی پولس، تجربه‌ی شرم، تحقیر، بی‌احترامی، بی‌آبرویی یا تحقیر عمومی از مرگ بدتر بود. برخی از مردم ترجیح می‌دادند بمیرند.

در واقع، در دوران مدرن، منظورم این است که، یادتان هست، ما در مورد ملتی خاص صحبت می‌کنیم که از پایبندی به سلسله مراتب صحبت می‌کند، به جای اینکه با شرمساری روبرو شود، جان خود را می‌گیرد. حتی در زمان خودمان، آنها ترجیح می‌دهند خودشان را بکشند تا با شرم، آبرو و شرمساری روبرو شوند. و پولس از این موضوع آگاه بود.

بنابراین، پولس می‌گوید، من فقط از شما می‌خواهم که در این مورد کاری انجام دهید. و او در آیه ۵ گفت بنابراین، لازم دانستم که برادران را ترغیب کنم که جلوتر به سوی شما بیایند و از قبل هدیه سخاوتمندانه‌ای

را که قبلاً وعده داده‌اید، ترتیب دهند تا آن هدیه به عنوان یک هدیه سخاوتمندانه آماده باشد و تحت تأثیر طمع قرار نگیرد. بسیار مهم.

سپس، در آیات ۶ و ۷، همچنان که پولس پیش می‌رود، درباره برکات سخاوت صحبت می‌کند. او در آیه ۶ می‌گوید، بیایید آیه ۶ را بخوانیم، حال این را می‌گوییم، کسی که با بخل بکارد، با بخل نیز درو خواهد کرد، و کسی که با سخاوت بکارد، با سخاوت نیز درو خواهد کرد. هر کس باید دقیقاً همانطور که در قلب خود پیشنهاد کرده است، عمل کند، نه با اکراه یا اجبار، زیرا خدا بخشنده شاد را دوست دارد.

این درخواست پولس در آماده‌سازی برای سومین سفرش به قرن‌تس است. پولس قصد داشت نمایندگانی را پیشاپیش بفرستد تا اطمینان حاصل شود که جمع‌آوری کمک‌ها تا زمان رسیدن او کامل خواهد بود. پولس که همچنان به دنبال ایجاد انگیزه در خوانندگان خود است، موضوعی را که به طور خلاصه در آیه ۵ به آن اشاره کرده بود، بسط می‌دهد. اکنون نگرانی او از لزوم اتمام پروژه به چگونگی تبدیل شدن بخشش به یک سخاوت شاد تغییر می‌کند.

سخاوت شاد. او با توضیح فواید سخاوت، سخاوتمندانه قرن‌تس را تشویق می‌کند. او چگونه این کار را انجام می‌دهد؟ او قبل از هر چیز درباره غنی‌سازی خداوند برای بخشنندگان صحبت می‌کند.

او فایده‌ی بخشش را با یک ضرب‌المثل خلاصه می‌کند. او می‌گوید نکته این است: کسی که کم بکارد، کم هم درو خواهد کرد و کسی که زیاد بکارد، زیاد هم درو خواهد کرد. بنابراین، او در مورد سخاوت صحبت می‌کند و در ذهن پولس، زیان الهیاتی خیرخواهی و وفاداری قرن‌تس به رسول با آزمایش خدمت مرتبط است.

هر یک از شما باید همانطور که تصمیم گرفته‌اید، بدهید، نه با اکراه یا اجبار، زیرا خدا بخشنده شاد را دوست دارد. بنابراین، با نگاه به آیه ۶، منظورم این است که در آیه ۷ می‌گوید، وقتی از صمیم قلب می‌دهید، ما آن را بررسی خواهیم کرد و من کم کم به آن برمی‌گردم. در آیه ۷، وقتی از صمیم قلب می‌دهید؛ در آیه ۸، دلیل آن را بیان می‌کند؛ در آیه ۸، اینجا می‌گوید، و خدا قادر است همه فیض را برای شما فراوان کند.

بنابراین، داشتن همیشه کفایت در همه چیز به این معنی است که شما می‌توانید به وفور داشته باشید. بنابراین، خدا منبع همه بخشش‌ها است. آیات ۹ تا ۱۱، پولس چه می‌گوید؟ بفرمایید، همانطور که نوشته شده است: او پراکنده کرد، به فقرا داد، و عدالت او تا ابد پایدار است.

کشاورز فراهم می‌کند و نان برای غذا، بذر شما را برای کاشت فراهم و تکثیر می‌کند و محصول پارسی شما را افزایش می‌دهد. شما در همه چیز برای هر سخاوتی غنی خواهید شد، که از طریق ما شکرگزاری برای خدا را به ارمغان می‌آورد. انجام این خدمت نه تنها نیازهای مقدسین را به طور کامل برآورده می‌کند، بلکه از طریق شکرگزاری‌های بسیار بسیار برای خدا نیز لبریز می‌شود.

بنابراین، چهارمین نکته این است که خداوند بخشنده را غنی می‌کند. سپس، در آیه ۱۲، بخشش، پرستش و شکرگزاری از خداوند را برمی‌انگیزد. و در آیات ۱۳ تا ۱۵، بخشش، خدا را گرامی می‌دارد.

خب، در آیات ۶ تا ۱۵ چه می‌بینیم؟ به طور کلی، در مورد بخشش صحبت می‌کند: ما باید از صمیم قلب ببخشیم؛ اول، خدا منبع بخشش است؛ دوم، بخشش، بخشنده را غنی می‌کند؛ سوم، بخشش منجر به پرستش و شکرگزاری خدا می‌شود؛ چهارم، و بخشش باعث جلال خدا می‌شود، پنجم. پس بیایید ذره ذره به آن نگاه کنیم. در آیه ۶، پولس به طور منطقی، با دقت، عمدی و با گوش دادن، به شیوه‌ای بسیار ظریف، به ساخت نصیحت خود به سخاوت ادامه می‌دهد.

، او چه می‌گوید؟ گفت، به آن نگاه کن، نکته این است. ترجمه تحت‌اللفظی یونانی می‌شود، حالا این، حالا این یا می‌توانید آن را به صورت دیگری بیان کنید و بگویید، خب، این را به خاطر بسیار. این ما را به یک ضرب‌المثل کشاورزی مرتبط می‌کند.

می‌گوید کسی که کم بکارد، کم هم درو خواهد کرد و کسی که زیاد بکارد، زیاد هم درو خواهد کرد. من یک ضرب‌المثلی را در خانه‌مان به یاد دارم که می‌گوید، کسی که یک کپه سیب‌زمینی هندی دارد، یک کپه سیب‌زمینی هندی می‌کارد و به مردم می‌گوید که صد کپه کاشته است، او می‌گوید پس از اینکه یک کپه درست را مصرف کرد، شروع به مصرف نمود و نه کپه نادرست می‌کند و در آن لحظه هیچ‌کس به حرف او گوش نخواهد داد، زیرا او فقط آنچه را که کاشته بود، درو کرد. نکته همین است.

هر چه بکاری، همان را درو می‌کنی، و او از این استعاره کشاورزی استفاده می‌کند، و این بسیار مهم است. این تصویری است که هم در سنت حکمت یهودی و هم در فرهنگ یونانی-رومی زمان پولس آشناست. می‌دانید، شاید، و شاید، احتمالاً، پولس امثال ۱۱، ۲۴ تا ۲۵ را در ذهن داشته است.

منظورم این است که این یک اصل خردمندانه است که می‌گوید برخی آزادانه غمگین می‌شوند، با این حال ثروتمندتر می‌شوند. برخی دیگر آنچه را که حقشان است دریغ می‌کنند و فقط یکی را متحمل می‌شوند. می‌بینید، یک فرد سخاوتمند ثروتمند خواهد شد.

نکته همین است. و کسی که آب می‌دهد، آب می‌گیرد. پولس با گفتن اینکه «پس با صرفه‌جویی، با صرفه‌جویی درو می‌کنی»، نسخه‌ی خودش از این اصل را ارائه می‌دهد.

پس سخاوتمندانه، سخاوتمندانه برداشت می‌کنید. و جالب است که او درباره سخاوتمندانه صحبت می‌کند. کلمه در آنجا به سادگی به معنای بخشش سخاوتمندانه است.

ستایش -- و، می‌دانید، خیلی جالب است. وقتی به واژگان پولس برای بخشش نگاه می‌کنید، فوق‌العاده است.

اینجاست، eulogias، استفاده می‌کند. می‌دانید eulogias استفاده می‌کند، و اینجا، از کلمه charis او از eulogy. را می‌آوریم eulogy که کلمه

همانطور که در مورد وضعیت قرن‌تین صدق می‌کند، برداشت محصول تا پایان عصر منتظر نمی‌ماند. بخشش ما باید سخاوتمندانه باشد. این یک هدیه سخاوتمندانه است.

این یک مدح و ستایش است. او مخاطبان خود را تشویق می‌کند تا نعمت‌های معنوی و شاید حتی مادی را در قلب و زندگی فعلی خود ابراز کنند. کسی که سخاوتمندانه می‌کارد، بر اساس اصل نعمت می‌کارد و بر این اساس، درو می‌کند.

خیلی خیلی مهم و قابل توجه. خدا خوشحال خواهد شد، و خدا بر اساس سخاوت هر کس پاداش خواهد داد. می‌دانید، من اینطور گفتم.

هر کسی هر چه بکارد، درو می‌کند. عیسی گفت، بدهید، و او به شما خواهد داد، صد برابر به شما باز خواهد گرداند. آیا در این مورد فکر کرده‌اید؟ از نظر وفاداری خدا، او گفت، هر چه بدهید، چند برابر خواهد کرد.

آیا متوجه هستی که اگر صفر بدهی، خدا هنوز هم وفادار خواهد بود؟ او صفر تو را صد برابر خواهد کرد. فقط نتیجه متفاوت خواهد بود، زیرا خدا سهم خود را انجام خواهد داد. خدا به قول خود عمل خواهد کرد.

هر چه بدهی، او به تو پاسخ می‌دهد. اگر هیچ بدهی، منظورم این است که او به آن پاسخ خواهد داد. بنابراین، اگر هیچ ندهی، هیچ بودنت تبدیل به هیچ بودن بیشتر می‌شود.

سخاوتمندانه ببخشید. این چیزی است که به ما گفته شده است. خدا بخشنده شاد را دوست دارد، و سپس می‌بینیم که منظورم این است، قبل از اینکه پولس مفهوم ضرب‌المثل را در آیات ۸ تا ۱۵ بیان کند، اما قبل از اینکه این کار را انجام دهد، سه دستورالعمل مهم برای بخشش به قرتیان ارائه می‌دهد.

اولاً، بخشش یک امر شخصی است. همانطور که در آیه ۷ می‌بینید، هر یک از شما باید همانطور که تصمیم گرفته‌اید، ببخشید. ثانیاً، بخشش نیاز به عزم راسخ دارد.

یعنی، باید آنطور که فرد در قلب خود قصد کرده است، انجام شود. شما تصمیم خود را می‌گیرید. در اینجا نسخه کینگ جیمز از کلمه هدف استفاده می‌کند، و جالب است که این کلمه در اینجا فقط در عهد جدید یافت می‌شود، که به معنای انتخاب عمدی است.

انتخاب آگاهانه. یعنی تصمیم گرفتن در مورد چیزی. بنابراین، بخشیدن مستلزم قصد و نیت است.

کسی که سخاوتمندانه می‌کارد، بر اساس اصل برکت می‌کارد و بر این اساس، لوقا فصل ۶ آیه ۳۸ را به یاد داشته باشید. آنچه در اینجا در آیه ۷ می‌بینیم با این اصل اساسی سازگار است. بنابراین، در آیه ۷، این سه نکته را می‌آموزیم. اول، بخشش امری شخصی است.

اینکه یک نفر چقدر می‌بخشد، سؤال است که به خود او مربوط می‌شود. این سؤال است که هر کس باید خودش به آن پاسخ دهد. این یک مسئله شخصی است.

دوم، به عزم و اراده نیاز دارد. یعنی شما باید هدفی داشته باشید. مورد سوم می‌گوید که خداوند بخشنده شاد را دوست دارد.

بخشنده‌ی شاد. ما باید بدون کینه ببخشیم. خیلی جالبه.

وقتی پولس می‌گوید که ما نباید به هیچ وجه با اکراه ببخشیم، اصطلاحات پولس در اینجا پژوهی از تثنیه فصل ۱۵، آیه ۱۰ است. در تثنیه، فصل ۱۵، آیه ۱۰، می‌خوانیم که می‌گوید، با سخاوت به او بده، و دلت از دادن به او غمگین نشود، زیرا به خاطر این کار، خداوند، خدای تو، تو را در تمام جهان و در تمام کارهایت برکت خواهد داد. این اصل است.

این در مورد سال سبت صحبت می‌کند، و این در مورد بخشش به فقرا است. پولس می‌گوید، در تثنیه موسی می‌نویسد، او گفت، اگر فقیری با شما باشد، یکی از برادرانتان، در هر یک از شهرهایتان، در سرزمینی که خداوند، خدایتان، به شما می‌دهد، دل خود را سخت نکنید و دست خود را از برادر فقیرتان نگیرید. و سپس ادامه می‌یابد، و به آیه ۱۰ منتهی می‌شود، سخاوتمندانه به او بدهید، و دل شما سخت نشود.

این همان چیزی است که پولس دقیقاً در اینجا به آن اشاره می‌کند. ما با اکراه نمی‌بخشیم. منظورم این است که کلمه آنجا به این معنی است که ما از روی درد نمی‌بخشیم.

کلمه درد در آنجا، لوپوس یا لوپوس، ما از روی درد یا غم نمی‌بخشیم. بنابراین، می‌بینید که پولس درست همانجا صحبت می‌کند. و سپس، برخلاف آن، چیزی که می‌بینید این است که خدا بخشنده شاد را دوست دارد.

خدا بخشنده‌ی شاد را دوست دارد. این کلمه مهم است. می‌بینید، گوش می‌دهید، ریشه‌ی کلمه‌ی انگلیسی hilarious از کلمه‌ی ریشه‌ای که به شاد ترجمه می‌شود، می‌آید.

مثل این است که، ببینید، خدا بخشنده‌های شوخ طبع را دوست دارد. شما شوخ طبعانه می‌بخشید. شوخ طبعانه.

«خدا بخشنده‌ی شاد را دوست دارد. آیا کلمه انگلیسی مهم است؟ و پولس به جای «برکت می‌دهد. دوست دارد» و «آگای» را جایگزین می‌کند».

ببینید، در ترجمه هفتادگانی آمده است که خدا بخشنده شاد را برکت می‌دهد. اما پولس حالا آن را تغییر داده است. او می‌گوید خدا بخشنده شاد را دوست دارد.

خداوند برای سخاوت ارزش قائل است. و سپس، عشق خود را به طور مثبت به سمت بخشنندگان شاد هدایت می‌کند. سوال این است که چگونه ببخشیم؟ خداوند بخشنده شاد را دوست دارد.

کلمه‌ای که در اینجا به معنای شاد ترجمه شده است، به معنای واقعی کلمه به معنای خنده‌دار بودن است. ما با خنده می‌بخشیم. به طور خلاصه، بخشش باید شخصاً، بدون هیاهو، بدون اجبار، بدون دستکاری و با شادی انجام شود.

بخشش باید از روی اعتقاد باشد نه از روی اجبار. از روی اعتقاد باشد نه از روی اجبار. حال، آیات ۸ تا ۱۱.

در آیات ۸ تا ۱۱، خدا قادر است هر فیضی را برای شما به فراوانی عطا کند تا همیشه در همه چیز به اندازه کافی داشته باشید و برای هر عمل نیک، چنانکه نوشته شده است، به فراوانی داشته باشید. سپس پولس آنچه را که نوشته شده است نقل می‌کند. خدا قادر است

او در ادامه مبنای الهیاتی گسترده‌تر مجموعه را گسترش می‌دهد. پولس اکنون مبنای الهیاتی گسترده‌تری از مجموعه را بسط می‌دهد. آیات ۸ و ۹ کل نصیحت قبلی را در بر می‌گیرد و اکنون تفسیر پولس از آیه ۶ ب آغاز می‌شود.

ارتباط برقرار می‌کنند. نگاه کردن به این موضوع بسیار جالب است. او گفت c و البته، آنها مستقیماً با 7، خدا مایل است که ببخشد.

خدا همه فیض را فراوان می‌کند. وقتی به این متن نگاه می‌کنید، می‌بینید که خدا به عنوان منبع همه فیض هم اساس و هم نمونه سخاوت قرن‌تیان است. خدا در سخاوت آنها قادر است همه فیض را برای شما فراوان کند.

این چیزی است که او می‌گوید. قادر به انجام هر گونه فیض. کلمه کلیدی در اینجا، باز هم، همچنان فیض است.

فیض، مفهوم انگیزشی است که زیربنای کل برخورد پولس با این مجموعه را تشکیل می‌دهد. می‌بینید، این مفهوم شامل مزایای معنوی و مادی می‌شود. فراوانی فیض آنها احتمالاً به معنای بازپرداخت نیست، بلکه صرفاً برداشت یا پاداش ذاتی است.

نتیجه سخاوت قرنطیان در بستر فیض خدا این است که در همه چیز، در همه زمان‌ها، هر آنچه را که نیاز دارند، خواهند داشت تا بتوانند دیگران را نیز تأمین کنند. به همین دلیل است که او می‌گوید خدا می‌تواند تمام فیض خود را به فراوانی به شما عطا کند. کفایت.

خدا می‌تواند همه چیز را برای شما کافی کند تا بتوانید در هر کار نیک فراوانی کنید. می‌بینید، پولس در اینجا، به کارهای نیک به طور کلی فکر نمی‌کند، بلکه به کار مداوم بخشش سخاوتمندانه اشاره دارد. گوش دهید، بخشندگان شاد، نه تنها فیض انجام کارهای کمتر را دارند، بلکه از نظر الهی نیز منابع بیشتری برای بخشیدن به دیگران دارند.

در واقع، پولس می‌گوید که فیض خدا تمام نیازهای معنوی و مادی قرنطیان را تأمین می‌کند تا آنها بتوانند در برکت دادن به دیگران سخاوتمند باشند. فیض خدا فیضی بخشنده است. همانطور که کسی این را بیان کرد، او گفت، دو کلمه برای بخشش وجود دارد.

دو نوع بخشش وجود دارد. یکی بخشش است و دیگری بخشش. بخشش و بخشش.

هر دوی آنها بخشیده‌اند. دو فیض زندگی مسیحی، بخشش و بخشیدن است. فیض خدا، فیضی بخشنده است.

سپس پولس به استعاره کشاورزی کاشت که قبلاً در آیه ۶ معرفی کرده بود، برمی‌گردد تا نکته خود را با یک نقل قول از کتاب مقدس توضیح دهد. همانطور که نوشته شده است، این نقل قول او از مزمور ۱۱۲، آیه را معرفی می‌کند. کسانی که به خداوند خدمت می‌کنند، کسانی که به خداوند خدمت می‌کنند، ثروت خود را می‌پاشند، مانند کشاورزی که با دادن بذر به فقرا، بذر می‌پاشد. می‌بینید، مزمور کسی را توصیف می‌کند که از خداوند می‌ترسد، کسی که از خداوند لذت می‌برد، موفق می‌شود، بخشنده و دلسوز و عادل است، عادل و پایدار است و به فقرا کمک‌های فراوانی می‌کند.

چنین افرادی مورد احترام و یاد هستند. پارسایی آنها تا ابد پایدار می‌ماند. منظورم این است که پولس دقیقاً همانجا از مزمور ۱۱۲ نقل قول می‌کند.

در اینجا، عدالتی که تا ابد پایدار می‌ماند، نه فقط شخصیت وفادار خدا، بلکه شخصیت بخشنده انسانی است. منظورم از عدالت در اینجا، عدالت خدا نیست، بلکه عدالت بخشنده انسانی است که ادامه می‌یابد. می‌بینید، عدالت در اینجا احتمالاً به شخصیت اخلاقی بخشندگان قرنطس اشاره دارد.

پارسایی آنها در سخاوتمندان آشکار یا مشهود است. این گواهی بر سخاوت آنهاست. منظورم این است که خدا منبع همه فیض است.

او هم اساس و هم نمونه‌ی سخاوت قرنطیان است. سپس پولس ایمان خود را ابراز می‌کند که خداوند فیض خود را به وفور در اختیار قرنطیان قرار خواهد داد تا رضایت آنها، آنها را قادر سازد تا از خود فراتر رفته و هر کار خوبی را انجام دهند. خداوند فیض خود را فراتر از صرفاً تجدید منابع، نسبت به بخشندگان فراوان می‌کند.

اصل کلی که پولس نقل کرد این است که هر چه بیشتر ببخشیم، بیشتر از خدا دریافت خواهیم کرد، می‌دانید، در دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم، دنیایی است که در آن هر چه می‌توانی بگیر و هر چه می‌توانی دریافت کن. دریافت کن. هر چه می‌توانی، دریافت کن و هر چه می‌توانی، دریافت کن.

اما پولس می‌گوید، نه، نه به آن شکل. ما برکت یافته‌ایم که خود برکت باشیم. این اصل پولس است.

ما به خاطر اینکه نعمت باشیم، مورد لطف قرار گرفته‌ایم، نه اینکه برای خودمان نگه داریم و نه اینکه هر چه می‌توانیم به دست آوریم و هر چه داریم را کنسرو کنیم. نه، زندگی مسیحی نباید اینگونه باشد. ما باید از آنچه پولس نگفت، آگاه باشیم.

پولس تلویحاً یا تلویحاً نمی‌گوید که ثروت یا درآمد مازاد، نشانه‌ای از تأیید یا برکت خداوند است، هرچند این ایده در میان معاصران یهودی پولس رایج بود. و نه خود بخشش، چیزی است که پولس آن را تحسین می‌کند. آنچه در اینجا مطرح است، سبک زندگی سخاوتمندانه، سبک زندگی توأم با لطف و رحمت است.

این همان چیزی است که پولس آن را تحسین می‌کند. سپس از آنجا به آیات ۱۲ تا ۱۵ می‌رویم، جایی که پولس شکرگزاری خود را ابراز می‌کند. زیرا انجام این خدمت نه تنها نیازهای مقدسین را برآورده می‌کند، بلکه باعث شکرگزاری فراوان از خدا نیز می‌شود.

از طریق آزمایش این خدمت، شما با اطاعت از اعتراف انجیل مسیح و با سخاوت خود در به اشتراک گذاشتن آن با آنها و با دیگران، خدا را جلال می‌دهید. در حالی که آنها به خاطر لطف عظیم خدا که به شما داده است، مشتاق شما هستند و برای شما دعا می‌کنند، پس خدا را به خاطر هدیه وصف‌ناپذیرش شکر کنید. می‌بینید، پولس درخواست خود را با اشاره به فواید قربانی‌ها فراتر از تأمین نیازهای مقدسین به پایان می‌رساند.

بدون شک، پولس شکرگزاری کلیسای اورشلیم را در نظر دارد که نتیجه آن خواهد بود. وقتی ما نیازهای قوم، خدا را برآورده می‌کنیم، شکرگزاری به همراه دارد. هدف دوم، که سرشار از ابراز شکرگزاری به درگاه خداست، هدف الهیاتی پولس است.

و جالب اینجاست که او انجام این خدمت را خدمت این خدمت می‌نامد. منظورم این است که، یادتان هست چند لحظه پیش گفتیم که پولس انجام مراسم عبادی را «لیترژی» می‌نامد، که از آن کلمه «لیترژی» گرفته شده است. او اینجا همین را می‌گوید.

این خدمتی که شما انجام می‌دهید، یعنی بخشیدن، یک عمل پرستشی است. این یک عمل خدمتی است. می‌بینید، پولس قبلاً در رابطه با قربانی، از این اصطلاح به عنوان خدمت خدمتی استفاده کرده است، با کلمه diakonia که به معنای خدمت است.

فقط در نامه پولس و در liturgia او قبلاً در فصل ۸، آیه ۴ از آن استفاده کرده است. اما در اینجا، کلمه فیلیپیان ۲: ۱۷ و ۳۰ آمده است. این کلمه معنای خدمت را در بر دارد، معنای خدمت، اینکه بخشش بخشی از خدمت ماست. جالب است که می‌توانید این کلمه خدمت را به روش‌های مختلف، حداقل به سه معنا در نظر بگیرید.

این به معنای یک خدمت عمومی است که توسط جامعه انجام می‌شود، یا می‌تواند به معنای یک خدمت وزیر، liturgos، کاهنی یا مقدس باشد. می‌تواند به معنای خدمت به معنای عمومی باشد. وزیر، کلمه یونانی liturgy، منبع مختصات انگلیسی ما است که من بارها و بارها تکرار کرده‌ام.

بنابراین، این اصطلاح ترکیبی از دو کلمه است: مردم کار می‌کنند. در عهد جدید، کسانی که چنین خدمتی ارائه می‌دهند، صرفاً کارمندان دولت نیستند، بلکه رهبرانی با جایگاه قابل توجه هستند. این اصطلاح درباره خدمت صحبت می‌کند.

آیات ۱۳ تا ۱۴، آیات ۱۳ تا ۱۴. در اینجا، آیات ۱۳ تا ۱۴ را می‌خوانیم؛ به دلیل اثباتی که این خدمت ارائه می‌دهد، آنها خدا را به خاطر اطاعت شما از جمع‌آوری انجیل مسیح و به خاطر سخاوت شما در کمک به آنها و همه، ستایش خواهند کرد، در حالی که آنها نیز با دعا برای شما، به خاطر لطف عظیم خدا در شما مشتاق شما هستند. منظورم این است که پولس همین جا در آیات ۱۳ تا ۱۴ از اصطلاحات پرمعنای زیادی استفاده می‌کند.

او از کلمات بخشش، صداقت، رفاقت و لطف استفاده می‌کند. این کلمات در آن دو آیه، اصطلاحات زیادی را با هم ترکیب می‌کنند. منظورم این است که پولس در آیه ۱۳، اندیشه اصلی خود را بیان می‌کند.

در آنجا، صحبت کردن در مورد مردم، خدا را جلال خواهد داد. بنابراین، منظورم این است که، منظورم این است که قرن‌تینان وقتی آنچه را که داده شده است می‌بینند، خدا را جلال خواهند داد. او گفت اولین اثبات اطاعتی است که با اعتراف قرن‌تینان به انجیل مسیح همراه است.

منظورم این است که قرن‌تینان به خاطر کاری که کلیسای اورشلیم انجام داده است بسیار خوشحال خواهند شد. تکمیل جمع‌آوری هدایا نشان می‌دهد که آنها از آزمون سرلند بیرون آمده‌اند و پذیرش آن توسط مسیحیان اورشلیم، این مسیحیان را به ستایش خدا برای گسترش انجیل سوق خواهد داد. پذیرش این جمع‌آوری، نشان دهنده‌ی مشارکت با تمام یهودیانی است که مسیح را پذیرفته‌اند.

پولس اضافه می‌کند که مسیحیان اورشلیم در دعا‌های خود، اشتیاق خود را برای آنها به عنوان مسیحیان غیریهودی ابراز خواهند کرد. این بخش را با ابراز قدردانی از خدا به پایان می‌رساند. خدا را به خاطر هدیه و وصف‌ناپذیرش شکر می‌کنیم.

منظورم این است که پولس درباره شناخت متقابل، شناخت متقابل و عشق بین مسیحیان غیریهودی و مؤمنان در اورشلیم صحبت می‌کند. می‌بینید، او از مسیحیان اورشلیم انتظار دارد که در دعا‌هایشان قرن‌تینان را به یاد داشته باشند. با این کار، قلب‌هایشان با قرن‌تینان همراه خواهد شد.

دل‌های آنها با قرن‌تینان خواهد بود. آنها برای آنها دعا خواهند کرد. مقدسین یهودیه که این کمک‌ها را دریافت خواهند کرد، مشتاق یا مشتاق اهداکنندگان غیریهودی او خواهند بود.

یعنی، این امر همبستگی مؤمنان، مسیحیان یهودی و غیریهودی را نشان می‌دهد و به اتحاد کلیسا کمک می‌کند، جایی که آنها خود را یکی می‌دانند. همانطور که قبلاً گفتیم، در رومیان ۱۵:۲۶ تا ۲۷، پولس توضیح دیگری از درک خود از این مجموعه ارائه می‌دهد. این چیزی بود که کلیساهای مقدونیه و اخائیه به عنوان نشانه‌ای از همبستگی یا اشاره‌ای به همبستگی با یکدیگر و با فقرای مقدسین اورشلیم به آن کمک کرده بودند.

بنابراین، پولس با اشاره به هدیه به عنوان کوبینونیا، تأکید می‌کند که این یک عمل خیریه نیست. بلکه بیانگر اشتراک کلیساهای درگیر، چه در بخشش و چه در دریافت آن است. چه کسانی که می‌دهند و چه کسانی که می‌گیرند.

این ابراز همبستگی است. آنها برای یکدیگر دعا خواهند کرد. و می‌بینید، پولس بسیار مطمئن بود که این هدیه با استقبال مثبتی روبرو خواهد شد، زیرا، به گفته او، به دلیل فیض عظیم خداوند که به قرن‌تیان عطا شده است.

بله، می‌دانیم که از اورشلیم تا قرنتس راه درازی است. اما پولس متقاعد شده است که دعا و شفاعت می‌تواند این فاصله را پر کند و این فاصله را از بین ببرد. با وجود همه اینها، پولس همچنان قصد دارد قرن‌تیان را به تکمیل این مجموعه تشویق کند.

پولس چگونه کل مکالمه در مورد بخشش را به پایان می‌رساند؟ او بحث را با یک فریاد عبادی و دعاگونه به پایان می‌رساند. خدا را شکر برای هدیه وصف‌ناپذیرش می‌داند منظورش چیست؟ این همان چیزی است که او تلویحاً می‌گوید.

بباید همه خدا را شکر کنیم. در اینجا کاربرد دیگری از کلمه موضوعی فیض وجود دارد. اما ماهیت موهبت الهی، که همان دوریان است، چیست؟ آیا همانطور که از متن پیداست، لطف الهی در این مجموعه مؤثر است؟ آیا کل کار رستگاری بخش خداوند است؟ یا صرفاً موهبتی از جانب خداوند از جانب خودش در شخص پسرش است؟ بله، مورد دوم احتمالاً و قطعاً امکان‌پذیر است.

هدیه، هدیه خدا از خودش در شخص پسرش. خدا را شکر برای هدیه وصف‌ناپذیرش می‌دانید، صفت وصف‌ناپذیر فقط اینجا در عهد جدید یافت می‌شود، که مطمئناً دلالت بر این دارد که آنچه خدا برای ما در مسیح انجام داده است، انگیزه اصلی برای درخواست طولانی او، برای درخواست طولانی پولس از قرن‌تیان است.

صرف نظر از اینکه منظور پولس دقیقاً چه بود، می‌دانیم که قرن‌تیان تحت تأثیر سخنان پرشور او به عمل برانگیخته شدند. دعوت بزرگ او موفقیت‌آمیز بود زیرا چند ماه بعد، او از قرنتس نامه نوشت. به آنچه او از قرنتس نوشت گوش دهید.

در رومیان ۱۵:۲۶، او می‌گوید که مقدونیه و اخائیه با کمال میل به فقرای مقدسین اورشلیم کمک مالی کردند. خوب، آیا پولس موفق شد؟ بله، کاملاً. بباید بحث را جمع‌بندی کنیم.

از دوم قرن‌تیان ۹:۶ تا ۱۵ چه می‌آموزیم؟ سه نکته مهم وجود دارد که باید به آنها توجه کنیم. اول، باید با روحیه، نگرش و رفتار درست ببخشیم. این بسیار مهم است زیرا وقتی با نگرش و روحیه درست می‌بخشیم، می‌کاریم و این تضمین برداشت محصول است.

باز هم، مورد دوم، ما یاد می‌گیریم که خداوند حاضر است هر آنچه را که انسان در درون و بیرون برای به اشتراک گذاشتن عشق با دیگران نیاز دارد، عطا کند. هر چه بیشتر به اشتراک بگذاریم، خداوند بیشتر نیازهای ما را برآورده می‌کند. در نهایت، آنچه داده می‌شود فقط نیازهای مادی را برآورده نمی‌کند.

چیزی بیش از این است. می‌تواند پیامدهای معنوی هیجان‌انگیزی با برکات فراوان داشته باشد، و همه ما با هم می‌توانیم فریاد بزینیم، خدا را به خاطر هدیه وصف‌ناپذیرش شکر.

این دکتر آيو آدوویا در تدریسش در مورد دوم قرن‌تیان است. این جلسه ۱۰، دوم قرن‌تیان ۹، بیشتر در مورد بخشش است.